

محسن قرائتی

بسم الله الرحمن الرحیم

غدیر در قرآن: گزیده ای از مباحث درسهایی از قرآن

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

غدیر در قرآن: گزیده ای از مباحث درسهایی از قرآن

مشخصات کتاب

سرشناسه:قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور:غدیر در قرآن: گزیده ای از مباحث درسهایی از قرآن/ محسن قرائتی.

مشخصات نشر:تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری:۳۲ص.؛ ۵/۱۰×۱۴ س م.

شابک:۲۵۰۰ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۵۲-۸۱-۲

یادداشت:چاپ دوم.

یادداشت:عنوان دیگر: غدیر در قرآن.

عنوان دیگر:غدیر در قرآن.

موضوع:علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- اثبات خلافت

موضوع:غدیر خم -- جنبه های قرآنی

رده بندی کنگره:BP۱۰۴ /غ۴ ق۴ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی:۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی:۲۴۹۲۲۶۷

ص: ۱

اشاره

۱- مقدمه

غدیر در قرآن » مقدمه

بسم الله الرّحمن الرّحیم

یکی از سؤالاتی که جوانان مطرح می کنند، این است که چرا نام حضرت علی علیه السلام در قرآن نیامده است؟

متاسفانه این سؤال ناشی از عدم آشنایی نسل نو با قرآن و معارف آن است، که نمی دانند دهها آیه از قرآن کریم درباره حضرت علی نازل شده است و می توانند با مطالعه تفاسیر معتبر آن را در یابند.

اصولاـ یکی از شیوه های قرآن آن است که به جای بیان نام افراد، ویژگی های آنان را ذکر می کند تا برای دیگران الگو باشند، چنانکه نام حضرت خضر و مؤمن آل فرعون در قرآن نیامده است.

از مجموع آیاتی که راجع به حضرت علی علیه السلام می باشد، دو آیه مربوط به ماجرای نصب حضرت به امامت، در غدیر خمّ است که عبارتند از: آیات ۳ و ۶۷ سوره مائده.

سوره مائده، به اعتقاد عموم مفسّران، در اواخر عمر پیامبر صلّی الله علیه و آله نازل شده و لذا این دو آیه که مربوط به جانشینی آن حضرت می باشد، در این سوره آمده است.

علاوه بر این دو آیه، روایات بسیاری از یاران پیامبر درباره واقعه غدیر رسیده است که مرحوم علامه امینی نام ۱۱۰ نفر از آنان و نام دانشمندان و مورخان و شاعران بسیاری از شیعه و سنّی، که در

طول ۱۴ قرن گذشته به این موضوع پرداخته اند، در مجموعه یازده جلدی الغدیر آورده است.

ابتـدا گزارش آخرین سـفر حـجّ پیامبر (حجّه الوداع) را مرور کنیم و سـپس آیاتی را که در این واقعه نازل شده است، توضـیح دهیم.

۲- گزارش آخرین حجّ پیامبر

غدیر در قرآن » گزارش آخرین حجّ پیامبر

پیامبر در چهل سالگی به پیامبری رسید. سه سال مخفیانه و ده سال علنی تبلیغ کرد. بخاطر فشار و تهدید کفار، از مکه به مدینه هجرت کرد. شـش سال در مدینه ماند، خواست برود مکه اعمال عمره را انجام بدهد، اما کفار مکه نگذاشـتند پیامبر وارد شود و نزدیک بود درگیری پیش بیاید که صلح حدیبیه برقرار شد. دو سال بعد پیامبر و مسلمانان مکه

را فتح کردند و خانه خدا را زیارت کرده و به مدینه بازگشتند. دو سال دیگر در

مدینه ماندند و در سنّ شصت و سه سالگی پیامبر اعلام کرد برای انجام مناسک حج به مکه می روم، هر کس می خواهد بیاید. جمعیت انبوهی از مدینه و اطراف آن و دیگر مناطق اسلامی به مکه آمدند.

هنگام بازگشت، جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد:«یَا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ...» و پیامبر را مامور نمود تا ولایت علی ابن ابی طالب را اعلام کند. لذا پیامبر در منطقه ای به نام غدیر خمّ، دستور توقف داد تا همه رسیدند. اینجا نقطه ای بود که راهها از هم جدا می شد، یکی به سمت مدینه،

یکی به سمت یمن و یکی به سمت عراق می رفت.

پیامبر فرمود: آنها که رفته انـد، بازگردنـد و صبر کنید تا آنها که بازمانده اند، برسـند. هنگام ظهر نماز خواندند و پس از نماز، پیامبر خطبه ای مفصل خواند و آنگاه فرمود:

من به زودی دعـوت خـدا را اجـابت کرده، از میـان شـما می روم. ای مردم! دربـاره من چگـونه شـهادت می دهیـد؟ همگی با صدای بلند گفتند: گواهی می دهیم که تو رسالت الهی را ابلاغ کردی و آخرین تلاش و کوشش را در راه هدایت ما نمودی، خداوند ترا جزای خیر دهد.

سپس فرمود: من می روم ولی دو چیز گرانقدر در

ص: ۷

میان شـما به یادگار می گذارم: یکی کتاب خدا که واسطه میان پروردگار و شماست، و دیگری خاندان من که خداوند به من خبر داده این دو از هم جـدا نشونـد، تا در بهشت به من بپیوندند، از این دو پیشـی نگیرید که هلاک شوید و دست از دامن آن دو برندارید که گمراه شوید.

آنگاه پیامبر دست علیّ را گرفت و بلند کرد، آن چنان که سـفیدی زیر بغل هر دو نمایان شد و همه او را دیدند و شناختند. در اینجا پیامبر فرمود: «ایّها النّاس مَن اَولَی النّاس بالمؤمنین مِن اَنفُسهم»: چه کسی به مؤمنان از خود آنها سزاوارتر است؟

گفتند: خدا و پیامبرش داناترند، پس فرمود: خدا،

ص: ۸

مولای من است، و من مولی و سرپرست مؤمنانم و نسبت به آنها از خودشان سزاوارترم. سپس فرمود:

«من کنت مولاه فهذا علیّ مولاه»: هر که من مولای اویم، این علی مولای اوست. سپس دست به سوی آسمان برداشت و چنین دعا کرد:

خداوندا! دوستان او را دوست بدار و دشمنانش را دشمن بدار، یارانش را یاری کن، و آنها که او را ترک کنند، از یاری خویش محروم ساز، حق را همراه او بدار و او را از حق جدا مکن. سپس فرمود: حاضران، این خبر را به غایبان برسانند.

خطبه که بپایان رسید، جمعیت متفرق نشده بود که جبرئیل نازل شد و این آیه را بر پیامبر خواند:

ص: ۹

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكَمْ دِينَكَمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكَمْ نِعْمَتِی...»

پیامبر فرمود: خدا را سپاس که دین خود را کامل و نعمت خود را بر ما تمام کرد، و از رسالت من و ولایت پس از من خشنود گشت.

در این هنگام شور و غوغایی در میان مردم افتاد و همه، از جمله ابوبکر و عمر، این موقعیت بزرگ را به علی ابن ابی طالب تبریک گفتند:

«بَخٍّ بَخٍّ لک یا علیّ اصبحت مولای و مولا کلّ مؤمن و مؤمنه»:"مبارک باد بر تو، مبارک باد بر تو، ای فرزند ابوطالب! تو مولای من و مولای تمام مردان و زنان با ایمان گشتی.

این بود اجمالی از ماجرای غدیر، و اکنون به تفسیر

ص: ۱۰

دو آیه نازل شده در این باره می پردازیم.

۳- آیه تبلیغ

غدیر در قرآن » آیه تبلیغ

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِى الْقَوْمَ الْكافِرِين» مائده/۶۷

ای پیامبر! آنچه را از طرف پرودگارت به تو نازل شده، به مردم ابلاغ کن، و اگر انجام ندهی، رسالت او را به انجام نرسانده ای و خدا تو را از مردم حفظ می کند. خداوند مردمان کافر را هدایت نمی کند.

این آیه نکاتی دارد:

۱. عبارت (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ) که در قرآن دو بار بیشتر نیامده، بیانگر آن است که آنچه پیامبر وظیفه دارد آن را به گوش مردم برساند امر مهمی است

ص: ۱۱

که مربوط به رسالت اوست و او چون رسول است باید آن را اعلام کند.

۲. کلمه (بَلِّغ) یعنی با جدیّت و اهتمام تمام آن را ابلاغ کن و به گوش مردم برسان تا کسی بعداً نگوید این مطلب به ما نرسید.

۳. (مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) یعنی مردم بدانند آنچه پیامبر می گوید از جانب خودش نیست، از طرف خداست، خدایی که صاحب اختیار همه است.

۴. (وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ) یعنی ابلاغ این موضوع به شکل عملی و در قالب یک مراسم باشد. زیرا قرآن به جای آن که بفرماید: (بَلِّغْ ... وَ إِنْ لَمْ تُبَلِّغ = بگو ... و اگر نگویی)، می فرماید: (بَلِّغْ ... وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ =

بگو ... و اگر انجام نـدهی)، یعنی ابلاـغِ زبـانی کـافی نیست، بلکه ابلاـغِ فعلی لاـزم است، بایـد یک مراسـمی باشـد و در این مراسم، آنچه را خدا گفته، به مردم اعلام کنی.

۵. عبـارت (فَمـا بَلَّغْتَ رِسـالَتَهُ) یعنی آنجه بایـد به مردم ابلاـغ کنی، هم وزن رسالت توست، به گونه ای که اگر آن را به مردم نرسانی، گویا اصل رسالت پروردگار را به انجام نرسانده ای و زحمات بیست و سه ساله ات به هدر می رود.

۶. جمله (وَ اللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ) نیز بیان می دارد که پیامبر از ابلاغ این امر مهم ترس و هراس داشـته است و لـذا خـداوند وعده می دهد او را

ص: ۱۳

از شرّ مردم حفظ کند. البته روشن است پیامبر اسلام از اینکه جان خود را در راه خدا فدا کند، هراسی نداشته است و لذا در تمام جنگ ها در صف مقدّم جبهه حضور داشت، بلکه این امر به گونه ای بود که پیامبر احتمال می داد برخی از مردم آن را نپذیرند و موجب

فتنه و درگیری میان مسلمانان گردد که بیش از آنکه به جان پیامبر ضرر رساند، به مکتب او ضربه وارد سازد. و لذا ادامه آیه می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ لایَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِین) یعنی خداوند اجازه نمی دهد کسانی این امر مهم را انکار می کنند، به هدفشان برسند و تهدیدی برای تو

ص: ۱۴

و برنامه های تو باشند.

در اینجا سه سؤال مطرح است:

۱. این امر مهم چه چیزی بود که پیامبر تا سال آخر عمرش بیان نکرده بود؟

۲. چه امری بود که اگر پیامبر آن را نمی گفت، زحمات **۲۳** ساله اش به هدر می رفت؟

۳. چه امری بود که پیامبر از گفتنش هراس داشت؟

این مطلب هر چه باشد، جزء دین است، اما از اصول دین یا فروع دین؟ تک تک آنها را بررسی می کنیم تا به نتیجه برسیم.

اصول دین، توحید است و نبوت و معاد. آیا می شود گفت که در این **۲۳** سال، پیامبر (ص) «**لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ**» را به مردم یاد نداده بود؟! اولین کلمه ای که به

مردم آموخت، این بود: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تُفْلِحُوا». پس این امر مهم توحید نیست.

قطعا نبوت هم نیست، زیرا معنا ندارد کسی که حدود دو ماه دیگر رحلت می کند، بگوید: مردم! من پیامبرم! آیا تا آن زمان به مردم نگفته بود: من پیامبرم!

راجع به معاد هم، پیامبر از همان روزهای اول بعثت مردم را از دوزخ هشدار می داد و تمام سوره های مکی خبر از معاد می دهند. پس آنچه پیامبر باید در آخر عمرش اعلام کند، وقوع قیامت نیست.

اما فروع دین: آیا پیامبر (ص) تا دو ماه مانده به رحلتش از نماز نگفته بود؟! و یا آن حاجیان که از

مکه برمی گشتند تارک الصلاه بودند؟! قطعا آن مطلب نماز نبود. روزه، جهاد، خمس و زکات هم، هشت سال قبل، یعن_ی سال دوم هجری قانون آنها ص_ادر شده بود. حج هم مراد نیست، زیرا آنها از مکه برمی گشتند. امر به معروف و نهی از منکر نیز بارها در دیگر آیات قرآنی مطرح و بر لزوم آن تاکید شده بود. علاوه بر آن که پیامبر

از بیان این امور هراسی نداشت و آن روزی که تنها بود و با بت ها و بت پرستان مبارزه می کرد نترسید، حالا که بین این همه یار و مرید است، بترسد؟

سؤال: با این اوصاف، آن چیست که پیامبر صلّی الله علیه و آله تا اواخر عمرش نگفته بود، توحید و

معاد و نماز و روزه هم نیست، اگر آن چیز باشـد، توحید هست، نبوت هست، نماز هست، جهاد هست، امر به معروف و نهی از منکر هست، و اگر نباشد، باقی چیزها هم نیست؟

پاسـخ: بایـد بگوئیم آن امر، امامت است. چون اگر امامِ معصوم بود، توحیـد زنده است و گرنه به جای خدا طاغوت حاکم می شود. اگر رهبرِ معصوم بود، اهداف نبوت دنبال می شود و اگر رهبر معصوم بود، معارف معاد بیان می شود.

۴- نکته ای لطیف

غدیر در قرآن » نکته ای لطیف

در آیـات قبـل و بعـد از این آیه نیز عبارت «مَا أُنزِلَ» آمـده است: در آیه ۶۶ می فرمایـد: «مَـا أُنْزِلَ إِلَیْهِمْ مِنْ رَبِّهِم»، در آیه ۶۷ فرمود: «مَا أُنزِلَ إِلَیْکَ مِن

رَّبِّکَ»، و در آیه ۶۸ می فرماید: «مَا أَنزِلَ إِلَيْكَم مِّن رَّبِّکَمْ». این یک امر تصادفی نیست که در سه آیه پشت سر هم، سه تا «مَا أُنزِلَ» آمده باشد. مورد اول و سوم مربوط به کتاب آسمانی است، که مردم باید آن را به پا

دارند تا از برکات آن در دنیا و آخرت بهره مند شوند. و مورد دوم مربوط به رهبری جامعه است که باید از سوی خدا تعیین گردد و پس از پیامبر، در قالب امام سرپرستی جامعه را بر عهده گیرد.

مهندسی قرآن را ببینید، خدا امامتِ علی بن ابیطالب را گذاشته است بین دو کتاب آسمانی! در یک آیه می گوید: کتاب خدا را به پا دارید، وضع اقتصادیتان

خوب می شود. و در آیه دیگر می فرمایـد: اگر کتاب آسـمانی را به پا نداریـد، هویت نداریـد و هیچید. و در میان این دو آیه می گوید: ای پیامبر! علی را معرفی کن. یعنی کتاب آسـمانی و امام معصوم در کنار هم. چنانکه پیامبر در حدیث ثقلین فرمود: «انّی تارک فیکم

الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی»

۵- آیه اِکمال دین

غدیر در قرآن » آیه اِکمال دین

«...الْیَوْمَ یَئِسَ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ دینِکُمْ فَلا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دیناً...» (مائده/۳)

امروز کافران از دین شـما مأیوس شدند، پس از آنان نهراسید و از من پروا داشته باشید. امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام

ساختم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم.

این جملات در میان آیه ای قرار گرفته که آغاز و پایان آن مربوط به خوردنی های حرام همچون گوشت مردار و خوک است. اما روشن است بیان این مطالب که قبلا نیز در قرآن آمده بود: (در سوره های انعام، بقره و نحل)، حرف تازه ای نیست و موجب اکمال و اتمام دین نمی شود، بلکه برخی چیزها باید تکرار شوند تا مؤثر واقع شوند.

اما این چه روزی است که دارای چنین ویژگی های مهمی می باشد؟

روزهای عمر شریف پیامبر اکرم را بررسی می کنیم.

ص: ۲۱

ایشان در ۴۰ سالگی به پیغمبری مبعوث شد و در ۶۳ سالگی رحلت نمود. در این ۲۳ سال رسالت پیامبر، کدام روز است که این آیه با آن مطابقت داشته باشد.

۱. روز بعثت: اولین روزی است که حضرت به پیامبری مبعوث شد. هنوز اتفاقی نیفتاده است که بگوییم امروز دین کامل شد! مثل این است که روز اولی که دانش آموز به مدرسه می رود، معلم به او بگوید: تو امروز فارغ التحصیل شدی!

۲. روز هجرت: هنگام هجرت پیامبر از مکه به مدینه هم، نه دین کامل شده بود و نه کافران مایوس گشته بودند، زیرا از هر قبیله ای یک نفر آمده بود تا

ص: ۲۲

پیامبر را بکشند. و پیامبر علی ابن ابی طالب را در جای خود نهاده بود. پس از آن نیز جنگ های بسیاری به راه انداختند.

۳. روز پیروزی: مسلمانان در برخی جنگ ها پیروز می شدند و در برخی شکست می خوردند. آنجا که شکست می خوردند کفار امیدوارتر می شدند و آنجا که پیروز می شدند دشمن مأیوس نمی گشت و در صدد حمله ای دیگر برمی آمد.

۴. روز فتح مکه: گرچه با فتح مکه، کافران از غلبه بر پیامبر اسلام مایوس شدند، اما امید داشتند با مرگ پیامبر، مسلمانان دچار ضعف گشته و آنان غالب گردند، زیرا پیامبر پسری نداشت که ادامه

ص: ۲۳

دهنده راه او باشد.

۵. روز نصب امام: روشن است هیچ موضوعی نیست که مایه ناامیدی کامل دشمنان گردد، جز تعیین جانشین، آن هم جانشینی همچون علی ابن ابی طالب که شجاعت و زکاوت او مورد پذیرش همه، از دوست و دشمن بود. و این امر در روز هجدهم ذی الحجه در سرزمین غدیر خمّ اتفاق افتاد و حضرت علی علیه السلام به امامت مسلمین منصوب گردید. کسی که امام خمینی درباره اش فرمود: اگر پیامبر صلّی الله علیه و آله هیچ کاری نمی کرد و فقط

یک علی علیه السلام تربیت می کرد، کافی بود.

ص: ۲۴

۶– نکات لطیف

غدیر در قرآن » نکات لطیف

۱. قرآن در سه مورد می گوید: در آینده نعمت را بر شما تمام خواهم کرد. یک جا پس از تغییر قبله است که می فرماید: «وَ لِأُتِمَّ نِعْمَتی عَلَیْکُمْ» (بقره/۱۵۰) در فتح مکه نیز می گوید: «وَ یُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکَ» (فتح/۲) در پایان آیه کسب طهارت برای نماز نیز می گوید: «وَ لِیُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکُم» (مائده/۶) اما در آیه غدیر خم می فرماید: «أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی» نعمتم را بر

شما تمام کردم. یعنی با نصب امام، نعمت الهی بر مردم کامل شد.

۲. سه مرتبه در قرآن آمده است:«لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ» (توبه/۳۳، فتح/۲۸، صف/۹) یعنی اسلام

ص: ۲۵

بر همه ادیان غالب شده و کره زمین را خواهد گرفت. اما کدام اسلام؟ این آیه می فرماید: اسلامی که کره زمین را فرامی گیرد، اسلامِ غدیرخم است، زیرا در آیه غدیر خم فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» یعنی

اسلامی را که در غدیر خمّ کامل کردم، به عنوان دین برای شما پسندیدم. آن وقت راجع به آینده جهان می گوید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ... وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دينَهُمُ الَّذِي ارْتَضى لَهُم» (نور/۵۵) خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین

ص: ۲۶

[خود] قرار دهد، ... و آن دینی را که برایشان پسندیده است برای آنان مستقر کند.

در غدیر خم می گوید: «رَضِیتُ»، و در مورد حکومت بر زمین می گوید: «اِرْتَضی»، ریشه هر دو یکی است. پیداست مکتبی که می تواند همه دنیا را زیر پرچم خودش جمع کند، مکتب اهل بیت علیهم السلام است.

۳. نکته لطیفی از یک طلبه جوان یمنی یاد گرفتم. این یمنی می گفت سنّی و شیعه همه قبول دارند که در آخر الزمان فردی از نسل پیامبر قیام می کند که نامش مهدی است و جهان را از ظلم و جور پاک ساخته و حکومت عدل اسلامی را برپا می سازد.

ص: ۲۷

می گوییم: شما که قیام مهدی را قبول دارید، و می گویید امام با نظر مردم انتخاب می شود، خوب رأی بدهید و مهدی را مشخص کنید. می گویند: نه، مهدی را باید خدا تعیین کند. می گوییم: چطور شد اولین امام را شما تعیین کردید، آخرین آنها را خدا تعیین کند؟ اگر امامِ جامعه را باید خدا تعیین کند، هم اولش با خداست، هم آخرش. شما به امام اول که می رسید، می گویید: مردم جمع شدند و بزرگان اجماع کردند و خلیفه

انتخاب شد، می گوییم: اگر اولی را رأی دادید، رأی بدهید و یک مهدی انتخاب کنید! چطور تعیین آخرین حاکم جهان به عهده خداست و اولین آنها به عهده مردم؟

ص: ۲۸

اصلا تعیین امام، کار خداست نه مردم. قرآن می گوید: «وَ رَبُّکَ یَخْلُقُ ما یَشاءُ وَ یَخْتارُ ما کانَ لَهُمُ الْخِیَرَه» (قصص/۶۸) پروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند و برمی گزیند، و آنان [در این امور] اختیاری ندارند.

البته قرآن در جای دیگر می گوید: «وَأَمْرُهُمْ شُورَی بَیْنَهُمْ»(شوری/۳۸) «أَمْرُهُمْ» یعنی کارهایی که مربوط به مردم است، باید به صورت شورا انجام شود، اما امامت، «أَمْرُهُمْ» نیست، بلکه «أَمْرُ الله» است، کار خداست. خداوند وقتی حضرت ابراهیم را امام کرد، فرمود: «إِنِّی جَاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره/۱۲۴) من که خدا هستم، تو را امام مردم قرار

دادم، ابراهیم گفت: از ذریه و نسل من نیز

امام قرار ده، خـدا فرمود: «لَا یَنَالُ عَهْـدِی الظّالِمِین» عهد من به ظالم نمی رسد. یعنی هر کدام از فرزندان تو که ظالم باشـند، به مقام امامت نمی رسـند. پس امامت عهـد خـداست و عهـد خدا مشورتی نیست، امر مردم مشورتی است. در جای دیگر هم می فرماید: «أَوْفُوا بِعَهْدی أُوفِ بِعَهْدِکُم» (بقره/۴۰) شـما به عهد من وفا کنید، من هم به عهد شـما وفا می کنم. اگر شما آن امامی را که من گفتم پیروی کردید، من هم

به پیمانی که با شما دارم وفا کرده و شما را در دنیا سعادتمند کرده و در آخرت به بهشت جاودان

ص: ۳۰

خواهم برد.

قرآن در جای دیگر می فرماید: «ما كانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لا مُؤْمِنَةٍ إِذا قَضَى اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْراً أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً مُبيناً» (احزاب/۳۶) هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و رسولش به کاری فرمان دهند، برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هر که خدا و فرستاده اش را نافرمانی کند، قطعاً دچار

گمراهیِ آشکاری گردیده است.

وقتی خداوند می گوید: پس از پیامبر، علیّ امام جامعه است، دیگر کسی نمی تواند بگوید انتخاب خلیفه با ماست. و امروز نمی توان گفت این یک امر تاریخی بود که گذشته است و ما باید خودمان

فکری کنیم و چاره ای بیندیشیم. ما در زمان غیبت امام معصوم بسر می بریم و وظیفه داریم از کسانی که آن حضرت مشخص فرموده تبعیِت کنیم. عالمان پرهیزکار، خیراندیش و به دور از هوی و هوس که امام زمان علیه السلام ولایت

جامعه را به آنها سپرده است.

ص: ۳۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹